

نگاه به الگو زودتر انسان را به هدف می‌رساند.

پیامبر اکرم ﷺ و امامان علیهم‌السلام و اولیای دین، اسوه و سرمشق مسلماناند و آشنایی با سیره اخلاقی و عبادی آنان، برای بهتر پیمودن این مسیر بسیار مفید است.

از این‌رو توجه به سیره رسول‌خداﷺ در عبادت، به‌ویژه در انجام مناسک حج و حضور در این شعائر ابراهیمی برای امت او کارساز است. آنچه می‌خوانید نمونه‌هایی از شیوه حج‌گزاری آن‌حضرت است که در منابع تاریخی و حدیثی آمده است؛ باشد که آن اسوه حق را در همه ابعاد زندگی الگوی عمل قرار دهیم تا زودتر و درست‌تر به مقصود برسیم.

• حرمت مکهٔ و کعبه

خانه توحید و قبله مسلمین که بازسازی آن یادگار ابراهیم خلیل است، مکانی مقدس و شهری مورد احترام است. رسول‌خدا نیز این حرمت را پاس می‌داشت و با ذکر و دعا و رعایت ادب، بر قداست آن توجه می‌داد و با تهلیل و تکبیر وارد شهر و حرم الهی می‌شد. هنگام ورود به مکه از تپه شمالی وارد می‌شد و هنگام خروج از ناحیه جنوب خارجی می‌گشت.^۱

نقل شده است که تنها یک بار به درون کعبه رفت، جامه و عبایش را زیر پای خود انداخت و کفش‌هایش را درآورد و بین دو ستون داخل کعبه دو رکعت نماز خواند.^۲ هنگام ورود به مکه، خدا را به‌عنوان ذی‌المعارج و صاحب والایی‌ها بسیار می‌ستود. هنگام برخورد با هر سوره‌ای یا فرازآمدن بر هر تپه‌ای یا فرودآمدن به هر وادی در مسیر راه و در فرصت‌های آخر شب و در پی نمازها لبیک اللهم لبیک می‌گفت.^۳ گاهی در طول راه، پیاده‌ها را سوار بر شتر خویش می‌کرد.

• احرام و تبلیه

رسول‌خداﷺ در دو پارچه یمانی احرام می‌پست و همان دو جامه احرام بود که هنگام وفات نیز در همان‌ها کفن شد.^۴

جابرین عبدالله نقل کرده است که لبیک‌گویی پیامبرﷺ در آغاز احرام چنین بود: «لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک، اِنَّ الحمد والنعمة لک والملك، لا شریک لک»^۵. نیز نقل شده است که آن‌حضرت در ذوالحلیفه شب را می‌گذراند. هنگام صبح پس از نماز فجر، بر مرکب خویش سوار می‌شد و لبیک می‌گفت. فضل‌بن عباس نیز نقل کرده است که پیامبرﷺ در طول سفر لبیک می‌گفت تا آنکه رمی جمره عقبه کند. آنگاه هفت سنگ بر جمره عقبه می‌زد و با هر سنگ‌ریزه تکبیر می‌گفت^۶ و چون از لبیک‌گویی فراغت می‌یافت، از خدای متعال مغفرت و رضایت او را می‌خواست و درخواست رهایی از آتش دوزخ داشت.^۷

یکی از محرمات احرام زیر سایه رفتن است؛ مگر وقتی به منزلگاه برسند و زیر سقف یا خیمه بگزارند. روزی یکی از معاندان از امام کاظم علیه‌السلام درباره استظلال (زیرسایه‌رفتن) پرسید و اینکه مگر بین سایه کجاوه در حال سفر یا سایه خیمه در حال نزول، فرقی است؟ حضرت موسی‌بن جعفر علیه‌السلام او را از اینکه در دین قیاس می‌کند، نکوهش کرد و فرمود: «ما مثل پیامبر خدا عمل می‌کنیم و مثل او ذکر و لبیک می‌گوییم.»

سپس فرمود: پیامبر خداﷺ بر مرکب خویش سوار می‌شد و در حال سوار بر مرکب، سایه‌بان نداشت و گاهی حرارت آفتاب او رانج می‌داد. بعضی از بدش را با بعض دیگر می‌پوشاند و گاهی صورتش را با دستش می‌پوشاند؛ اما وقتی در منزلگاه فرود می‌آمد، زیر خیمه و سایه خانه یا سایه دیوار قرار می‌گرفت.^۸

از مواقع استحابت دعا، هنگام ورود به خانه خداوند است که چشم رائر به بیت‌الله می‌افتد. خدایی که از بندگانش خواسته به زیارت خانه‌اش آیند، سزاوار است که در لحظه ورود مهمان، پذیرایی کند و پذیرایی خدا، استجابت دعاست؛ از این‌رو به دعا در آن لحظه سفارش شده است. پیامبر اکرم ﷺ نیز چنین روشی داشت و هنگامی که از طرف خانه یعنی می‌خواست وارد مسجدالحرام شود، رو به کعبه می‌ایستاد و دعا می‌کرد: «اِنَّ النبی «ص» اذا جاء مکاناً من دار یعلی استقبال البیت فدعا»^۹.

• ادب طواف

در سیره نبوی نسبت به طواف نکات متعددی نقل شده است که به برخی اشاره می‌شود: از امام صادق علیه‌السلام درباره ویژگی طواف پیامبر خدا پرسیدند. حضرت فرمود: پیامبر ﷺ شب و روز، ده بار طواف می‌کرد، هر بار هفت بار دور، سه‌بار در اول شب، سه‌بار در آخر شب، دوبار هنگام صبح و دوبار بعد از ظهر و در فاصله این نوبت‌ها به استراحت می‌پرداخت.^{۱۰}

در حدیثی از امام هادی علیه‌السلام نقل شده است که «اِنَّ رسول‌الله ﷺ کان یطوف بالبیت وَیُقَبِّل الحجر»؛^{۱۱} رسول‌خدا خانه خدا را طواف کرده و حجرالأسود را می‌بوسید. امام صادق علیه‌السلام در حال طواف بود که سفیان ثوری از آن حضرت پرسید: وقتی پیامبر اکرم ﷺ در طواف به حجرالأسود می‌رسید، چه می‌کرد؟ حضرت فرمود: کان یستلمه فی کل طواف فریضة ونافلة؛^{۱۲} در هر طواف واجب و مستحب، دست بر آن می‌کشید. آن گاه



حج در سیره رسول خداﷺ

استاد جواد محدثی

گوسفند سفید را نزدیک می‌آورد. یکی را ذبح می‌کرد و می‌فرمود: خدایا این از جانب محمد و آل محمد علیهم‌السلام و دیگری را نزدیک می‌آورد و ذبح می‌کرد و می‌فرمود: خداوند، این از جانب امتم، هرکس که به یگانگی تو و به ابلاغ رسالتم شهادت دهد.^{۱۳}

اینکه حاجی خودش به قربانگاه برود و ذبح را خودش به‌صورت مباشر انجام دهد، مطلوب است و در حد امکان بهتر است، به‌نیابت ذبح نشود. انس بن مالک نقل می‌کند که رسول‌خداﷺ خودش با دست خود قربانی‌اش را ذبح می‌کرد و نام خدا را می‌برد: «کان رسول الله ینذح اضحیته بیده ویسمی فیها»^{۱۴}.

• حلق و تقصیر

روز عید قربان روز پاکی جان و بیرون آمدن از تعلقات و زدودن زواید است. تراشیدن سر نیز یکی از نمادهای علقه‌زدایی است. از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است: «کان رسول‌الله ﷺ یوم التَّحْرِ یحلق رأسه ویَقْلَم اظْفاره ویأخذ من شاربیه ومن اطراف لحيته»^{۱۵} پیامبر خداﷺ روز عید قربان موی سرش را می‌تراشید. ناخن‌هایش را کوتاه می‌کرد و بخشی از شارب و محاسن (ریش و سبیل) خود را می‌زد و کوتاه می‌کرد. این شیوه که به نظافت و آراستگی و اصلاح سر و صورت مربوط می‌شود، شایسته روز عید است که روز زینت و تجمل است.

• رمی جمره

رمی جمره که یکی از اعمال حج است، نشان طرد شیطان و راندن آن از خویش است. این عمل در روز عید قربان و دو روز بعد انجام می‌گیرد.

از حضرت باقر علیه‌السلام روایت شده است: «اِنَّ رسول الله ﷺ کان یرمی الجمار ماشياً»^{۱۶} پیامبر خداﷺ پیاده رمی جمرات می‌کرد و طبق نقل جابرین عبدالله، رسول‌خدا روز عید قربان هنگامی که روز بالا آمده بود، رمی جمرات می‌کرد؛ اما روزهای پس از عید، پس از زوال خورشید و بعد از ظهر رمی می‌کرد.^{۱۷} ابن‌عباس نقل کرده است که آن‌حضرت پس از زوال خورشید (نیم‌روز)، رمی جمرات می‌کرد و چون فارغ می‌شد، نماز ظهر را می‌خواند.^{۱۸} طبق نقل حضرت صادق علیه‌السلام: پیامبر خداﷺ روز عید چون از مزدلفه به منا آمد، ابتدا سراخ جمره عقبه رفت و با هفت سنگ‌ریزه آن را رمی کرد. سپس به منا برگشت و این بخشی از سنت است.^{۱۹}

• شوق حرم و عشق نماز

خانه خدا در مکه محبوب دل‌هاست و عبادت در آنجا ثواب بسیار دارد و دل‌های عاشق با آن مسجد مقدس انس و الفت دارند. از ابن‌عباس نقل شده است که رسول‌خداﷺ در شب‌های تشریق هر شب از منا به مکه می‌آمد و خانه کعبه را زیارت می‌کرد: «اِنَّ النبی کان یزور البیت کل لیلة من لیالی منی»^{۲۰}. در حدیثی هم آمده که امام باقر علیه‌السلام در پاسخ نامه ابراهیم بن شیبیه چنین نوشت: «کان رسول الله ﷺ یحِت اکثر الصلاة فی الحرمین، فأكثر فیهما و اتم»^{۲۱} رسول‌خداﷺ دوست داشت که در مدینه و مکه بسیار نماز بخواند. تو هم در این دو شهر نماز زیاد بخوان و نماز را تمام اقامه کن نه شکسته.

مسجد قبا یکی از مساجد مورد علاقه رسول‌خداﷺ بود. هرگاه به قبا می‌رفت، در منزل سعدبن خنیفه انصاری فرود می‌آمد. سراخ مسجد قبا می‌رفت، از چاه آب می‌کشید و پاهای خود را می‌شست و از روی سنگ‌های کنار جاده عبور می‌کرد و در آن مسجد نماز می‌خواند. طبق نقل ابوسعید خدری آن‌حضرت هر هفته روزهای شنبه پیاده به مسجد قبا می‌رفت. گاهی هم سواره این راه را می‌پیمود: «اِنَّ النبی کان یأتی قبا ماشیا وراکباً»^{۲۲}.

• زیارت اُحد

تکریم شهدا و زیارت تربت جان‌باختگان راه خدا، اجر فراوان دارد و نشر فرهنگ جهاد و شهادت است. رسول‌خداﷺ نیز در این احیاءگری و اکرام، سهم داشت. به روایت امام صادق علیه‌السلام حضرت

رسول‌خداﷺ هرگاه به زیارت قبور شهدا در اُحد می‌رفت، خطاب به آن شهیدان این آیه قرآن را می‌خواند: ﴿سلام علیکم بما صبرتم فینعم عقبی الدار﴾ (رعد، ۲۴)؛ سلام و درود بر شما به‌خاطر آنچه که صبر کردید؛ پس سرای آخرت چه جای خوبی است!^{۲۳}

• دیدار حاجی

از آداب و سنت‌های مربوط به حج، رفتن به دیدار کسی است که از سفر حج و زیارت خانه خدا می‌آید و درود و تحیت گفتن به او ثواب دارد و تعظیم شعائر است.

حضرت صادق علیه‌السلام از پدران بزرگوارش درباره شیوه حضرت رسول ﷺ در این مورد چنین نقل فرموده است: «اِنَّ رسول‌الله ﷺ کان یقول للقدام من الخج: تقبل الله منک واخلف علیک نفقتک وغفر ذنیک»^{۲۴}؛ پیامبر خداﷺ به کسی که از حج برمی‌گشت، چنین می‌فرمود: خداوند از تو قبول کند و خرج و هزینه تو را جایگزین سازد و گناهانت را ببامزد. به دیگران نیز توصیه می‌فرمود که هرگاه به دیدار حاجی رفتی، به او سلام بده و مصافحه کن و بخواه که قبل از ورود به خانه‌اش در حق تو دعا و استغفار کند.

• آموزش مناسک

اهتمام رسول‌خداﷺ براینکه زائران خانه خداوند و انجام‌دهندگان حج و عمره، مناسک خود را به‌درستی انجام دهند، بسیار بود و در مواقف مختلف به آنان یاد می‌داد؛ از جمله پیش از عزیمت‌شان به سفر و به آنان می‌فرمود: «تعلّموا مناسککم، فانّها من دینکم»^{۲۵}؛ مناسک خویش را بیاموزید که این، جزئی از دین شماست.

به‌نقل حدیفه، پیامبر خدا؟ص فرمان داد که مؤذنان همه جا در مناطق بالا و پایین اعلام کردند که رسول‌الله امسال قصد حج دارد تا به مردم، حج و مناسک آن را بیاموزد و این آموزش و فراگیری پایه و سنتی شود تا آخر روزگار. همه مسلمانان در سال دهم هجری در حج مشارکت کردند تا هم شاهد منافع خویش باشند، هم پیامبر خداﷺ حج آنان را به آنان بیاموزد و مناسک‌شان را به ایشان بشناساند. پیامبر همراه مردم و همسرانش به حج رفت –همان سال حجة‌الوداع– و حج خود و مناسک‌شان را انجام دادند و مردم همه آنچه را بدان نیاز داشتند، آموختند و حضرت رسول ﷺ به آنان اعلام کرد که آیین حضرت ابراهیم را برایشان برپا داشته است و همه بدعت‌های مشرکان را پس از ابراهیم خلیل علیه‌السلام زدوده و حج را به حالت نخستین خود برگردانده است.^{۲۶}

از ابن‌عمر نیز روایت است که رسول‌خداﷺ یک روز قبل از ترویبه برای مردم خطبه می‌خواند و آنان را نسبت به مناسک خود آگاه می‌کرد: «کان رسول‌الله ﷺ اذا کان قبل الترویة یوم خطب الناس فأخبرهم بمناسکهم»^{۲۷}.

حج آگاهانه توصیه حضرت رسول ﷺ بود. در خطبه روز غدیر هم در بازگشت از حجة‌الوداع، در جمع مسلمانان حاضر فرمود: «معاشر الناس! حبّوا البیت بکمال‌الدّین و التّفقه»^{۲۸}؛ ای مردم! با کمال دینداری و همراه با دین‌شناسی و تفقه حج خانه خدا کنید.

اینها نمونه و گوش‌هایی از سیره نبوی بود که در مورد حج خانه خدا و مناسک حج و اعمال گوناگون این زیارت معنوی روایت شده بود.

البته آنچه به کیفیت حج‌گزاری رسول‌خداﷺ در آخرین سال عمر شریف خویش مربوط می‌شود و جزئیات آن سفر پرخطرهِ که در منابع حدیثی و تاریخی گزارش شده است، گفتنی است و کتاب‌های مستقّلی نگاشته شده که کیفیت حج پیامبرخداﷺ را ترسیم می‌کند؛ لیکن آنچه در این نوشته تقدیم شد، نکاتی است که در نقل‌های تاریخی و احادیث به‌صورت سیره مستمر و روش ساری و جاری آن‌حضرت در این زمینه آمده است.

باشد که از سیوه آن رسول مکی و مدنی، در همه ابعاد از جمله در کیفیت حج‌گزاری الهام بگیریم و با تأسی به سیره نبوی، گام جای گام آن پیامبر رحمت بنهیم. ان‌شاء‌الله.

• منابع

- الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۰۷؛
- تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۹۱ و ۲۷۹؛
- الکافی، ج ۴، ص ۲۴۹؛
- همان، ص ۳۳۹؛
- المجفرتاين، ص ۶۴؛
- المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۱۲، ص ۲۷۹، ج ۱۸، ص ۲۶۸؛
- همان، ج ۴، ص ۸۵؛
- الکافی، ج ۴، ص ۵۵۰؛
- مسنداحمد، ج ۴، ص ۶۱ و ج ۵ ص ۳۷۴؛
- الکافی، ج ۴، ص ۴۲۸؛
- همان، ص ۵۶۷؛
- همان، ص ۴۴؛
- الذّعائب، ج ۱، ص ۳۱۲؛
- علل الشرایع، ص ۲۲۸؛
- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۳۶؛
- تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۲۱۷؛
- المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۱۲۲؛
- مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲۲۳؛
- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۹۳؛
- سنن النبی ﷺ، علامه طباطبایی، ص ۳۹۳؛
- کافی، ج ۴، ص ۴۸۶؛
- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۱۳۸؛
- المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۳۱۳؛
- دعائم‌الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۳؛
- المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۱۵۹؛
- کافی، ج ۴، ص ۵۲۴؛
- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۸۸ و ۱۸۹؛
- کامل‌الزیارات، ص ۶۴؛
- المحاسن، ج ۲، ص ۱۲۷؛
- تاریخ دمشق، ج ۲۶، ص ۲۱۱؛
- الحج والمعمره فی الکتاب والسنة، ص ۲۴۶؛
- همان؛
- احتجاج، ج ۱، ص ۱۵۶.